

متن پرسش

سلام خدمت استاد: همانطور که احیانا مستحضر هستید، یکی دو سالی است سوالات و شبهاتی پیرامون وجود نفس انسانی در رسانه ها، کلاسها و بالتبع در اذهان برخی دانش آموزان و دانشجویان می گذرد. لب سوالاتی که در این زمینه مطرح است رو شاید بشود در این خلاصه کرد که: از کجا معلوم که این مغز انسانی نباشد که مدرک، مدیر و اصل اساسی انسان است و چرا باید به یک من خارج از تن، لزوما قائل شویم؟ اینها استدلالها یا رجوع به وجدانهایی که امثال حضرتعالی در کتب تان می آوردید را شنیده اند، ولی می گویند وقتی مغز برود، دیگر نمی گوئیم: «من»! و می گویند برای یک ملحد که قائل به حیات پس از مرگ نیست چطور می توان ثابت کرد که واقعا نفس، من و روحی خارج از تن وجود دارد که اصل اساسی و حقیقی انسان، آن است؟ شما در کتب تان (که انصافا در زمینه معرفت به نفس، قوت زیادی داشته و دارد) به طور مستقیم اشاره ای به این شبهه نداشته اید و شاید بشود غیر مستقیم مطالبی رو در پاسخ به این شبهه، پیدا کرد. حال خواهشمندم که راهنمایی بفرمایید. البته ناگفته نماند، که این سوال، سوال جدیدی نیست و از سالها و چه بسا قرن ها پیش مطرح بوده. اخیرا به دو دلیل طرح آن همگانی تر شده: ۱) خو گرفتن به فضاهای علوم فنی مهندسی و حتی پزشکی (که در نگاه خوگرفته با این علوم، انسان رو می توان به یک کامپیوتر هوشمند تقلیل داد) و ۲) طرح این گونه پرسشها در فضاهای مجازی و رسانه ها و ... ممنون و متشکر منتظر راهنمایی استاد هستیم. (که حقیقتا این مساله، مساله مبتلا به و پر دردی ست)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ما بحث معرفت نفس را با نظر به همین شبهات مطرح کردیم، اگر به همان روشی که انسان را به احساس خودش از خودش رجوع می دهیم، جلو رویم همه ی این مشکلات رفع می شود و در قسمت آرشیو مباحث در قسمت معرفت نفس این گونه سوالات جواب داده شده. موفق باشید